قرض‌الحسنه در قانون و چشم‌اندازهای آینده

گفتگو با غلامحسین بزرگمنش، صاحبنظر در امور پولی و بانکی

؟ / جناب بزرگمنش، لطفاً در ابتدا بفرمایید که حساب قرض‌الحسنه از چه هنگام و چگونه در سیستم بانکی ما وارد شد؟

□ یکی از مواردی که در تحول از بانکداری قبل از انقلاب به یک سیستم بانکی منطبق با قوانین اسلام مطرح بود، بحث منابع بود. از آنجا که اصولاً ابتدا باید منابعی در دسترس باشد تا صرف شود، می‌توان گفت که اولویت بحث، تصمیم‌گیری راجع به چگونگی جذب منابع بود. در سیستم بانکداری بین‌المللی مرسوم (Conventional Banking) ارتباط بین بانک و مشتری برمبنای عقد قرض است. به‌لحاظ اینکه در دین اسلام ربا حرام است و براساس قول فقها در عقد قرض هر چیز اضافه بر اصل، حکم ربا را دارد، پس پایه حقوقی این ارتباط باید تغییر می‌کرد. در مدل بانکداری در کشور ما رابطه حقوقی بین سپرده‌گذاران، البته در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری، با بانک برمبنای وکالت پایه‌گذاری شده است.

؟ / آیا این الگو در بانک‌های خارج از کشور هم وجود دارد؟

□ شاید بد نباشد نگاهی سریع به مدلی از بانکداری اسلامی یا بانکداری بدون‌ربا که در سایر کشورها مثلاً کشورهای عربی رایج است، بیندازیم و آن را با مدل خودمان مقایسه نماییم. اصولاً در مدل آنها، منابع و سپرده‌ها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: اول، سپرده‌های معاملاتی (Transaction Deposits) که سپرده‌های بدون‌ریسک و بدون‌بازده هستند، مثل حساب جاری؛ دوم، سپرده‌های سرمایه‌گذاری (Investment Deposits).

؟ / لطفاً این انواع را برای مخاطبان نشریه تشریح بفرمایید.

□ یکی از انواع سپرده‌های معاملاتی، حساب جاری (Current Acount) است که برمبنای عقد ودیعه است. بازده این حساب برای سپرده‌گذار صفر است، یعنی سودی به آن تعلق نمی‌گیرد. در این مدل، این منابع در سرمایه‌گذاری‌های بانک مورداستفاده قرار نمی‌گیرند، بلکه از آنها تنها برای تعادل‌بخشیدن به نقدینگی بانک و یا در مورد معاملات کوتاه‌مدت بهره‌برداری می‌شود.

نوع دیگر از این گروه از سپرده‌ها، حساب‌های پس‌انداز است که اگرچه آنها هم برپایه عقد ودیعه هستند و سودی به آنها تعلق نمی‌گیرد، اما با حساب‌های جاری تفاوت دارند، به این ترتیب که بانک اسلامی با توجه به نتیجه فعالیت‌های خود در هر دوره مالی و براساس سیاست‌ها و تصمیمات بانک، می‌تواند از محل درآمد بانک مبلغی اضافه را به دارندگان حساب‌های پس‌انداز پرداخت کند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که نه این مبلغ اضافه از قبل مشخص و معلوم است و نه اجباری در پرداخت آن از سوی بانک وجود دارد، حتی سپرده‌گذاران نیز انتظار دریافت چیزی را ندارند. درواقع، بانک به دلخواه خود مبلغی از درآمد خود را به عنوان "هبه" به این پس‌اندازکنندگان پرداخت می‌کند.

یکی از انواع حساب‌های گروه دوم، حساب‌های سرمایه‌گذاری (Investment Deposits) است. این حساب‌ها برمبنای مضاربه مطلق است که در آن مضارب یا عامل یا شریک فعال (Active Partner) که در اینجا بانک

اطلاق عنوان "قرض‌الحسنه" به حساب‌های جاری پسندیده نیست، زیرا...

است، اختیار مطلق در مدیریت سرمایه دارد. این نوع از حساب‌ها، سپرده‌های ریسکی هستند، به این معنی که نه‌تنها سود معین و ازقبل‌تعیین‌شده ندارند، بلکه امکان دارد که سپرده‌گذار یک بخش یا حتی تمام سپرده خود را در صورت واردآمدن زیان ازدست بدهد.

نوع دوم از این سپرده‌ها، حساب‌های سرمایه‌گذاری خاص (Special Investment Deposits) است. این حساب‌ها هم تحت قالب حقوقی مضاربه است و تفاوتی که با نوع قبلی دارد، آن است که حساب‌های سپرده‌گذاری خاص صرف سرمایه‌گذاری در پروژه معینی می‌شوند، به این ترتیب که برحسب حساب، حق انتخاب از بین پروژه‌های مورداجرای بانک را برای سرمایه‌گذاری سپرده وجود دارد. اشاره می‌کنم که در آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون‌ربا هم قبول سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار برای مصرف در یک طرح خاص مجاز شمرده شده است.

؟ / با توجه به توضیحاتی که در مورد این مدل از بانکداری بدون‌ربا دادید، آیا برای جذب سپرده در حساب‌های پس‌انداز که شباهت‌هایی با حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه در سیستم بانکی کشور ما دارند، امکان رقابت هست؟

□ شما به عنوان سپرده‌گذار می‌خواهید در یک موسسه مالی اسلامی سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز کنید. اگر تعداد موسسات متعدد باشد و شما حق انتخاب داشته باشید، یکی از عواملی که موردتوجه شما قرار می‌گیرد، عملکرد این موسسات و بنگاه‌ها است. درست است که نیت اصلی پس‌اندازکننده انجام کار خیر است، اما درهرحال، پاداش مادی نیز برای برخی به‌عنوان مشوق ایجاد جاذبه می‌کند.

؟ / قانون در مورد قرض‌الحسنه در کشور ما چه می‌گوید؟ لطفاً نظرتان را بیان بفرمایید.

□ پیش از پاسخ به پرسش شما، اجازه بدهید به یک نکته اشاره کنم، چرا که در ادامه بحث توجه به آن ضروری است. این نکته عقد قرض و تبعات ناشی از آن، به‌خصوص برای قرض‌گیرنده است. براساس تعریف ماده ۶۴۸ قانون مدنی: «قرض، عقدی است که به موجب آن، احد طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند.» با توجه به این تعریف، قرض‌گیرنده، مالک و صاحب مال شده و در چهارچوب قوانین، اجازه اعمال حق مالکیت و هرگونه دخل‌وتصرف در آن را بدون نیاز به اذن و اجازه قرض‌دهنده خواهد داشت. اما در مورد قرض‌الحسنه در مدل بانکداری بدون‌ربا در کشور ما، در ماده ۳ از فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون‌ربا عناوین انواع سپرده‌های بانکی مشخص شده است که عبارتند از سپرده‌های قرض‌الحسنه شامل جاری و پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

قرض‌الحسنه ابزاری اعتباری برمبنای عقد قرض است، یعنی دقیقاً وام است و نه تسهیلات.

اطلاق عنوان "قرض‌الحسنه" به حساب‌های جاری ـ از نظر من ـ پسندیده نیست، زیرا اگرچه حساب جاری از این جهت که برمبنای عقد قرض است و استرداد اصل آن را بانک تضمین کرده و سودی هم به آن تعلق نمی‌گیرد، مشابه حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز است، اما ماهیت این حساب متفاوت است ـ هم از نظر سپرده‌گذار و هم از نظر بانک. حساب‌های جاری، منابع باثباتی برای بانک نیستند و همانگونه که در مدل قبلی توضیح داده شد، این منابع در اعطای تسهیلات مورداستفاده قرار نمی‌گیرند و صرف معاملات کوتاه‌مدت و توازن‌بخشیدن به نقدینگی بانک می‌شوند. بانک‌های کشور ما هم قاعدتاً می‌توانند مشابه همین کار را بکنند و از منابع حساب جاری در هنگام نیاز به نقدینگی و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت استفاده کنند. این نوع تقسیم‌بندی باعث شده است که در بحث‌های اخیر در مورد مقایسه قرض‌الحسنه پرداختی بانک‌ها با مانده حساب‌های قرض‌الحسنه، آنچه موردمقایسه قرار می‌گیرد، مجموع حساب‌های جاری و پس‌انداز است که هر دو تحت سرفصل کلی قرض‌الحسنه طبقه‌بندی شده‌اند، درحالی که منظور فقط یک جزء از این سرفصل با عنوان حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز است و نه کل آن. این سوءبرداشت طبعاً نتیجه درستی را به‌بار نمی‌آورد. شاید بهتر بود که انواع سپرده‌ها در سه گروه طبقه‌بندی می‌شدند و به حساب‌های جاری پیشوند "قرض‌الحسنه" داده نمی‌شد.

درهرحال، در تبصره ذیل همان ماده ۳ توضیح داده شده است که بانک در به‌کارگرفتن سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار وکیل است. به این ترتیب، روشن می‌شود که پایه حقوقی اینگونه سپرده‌ها، عقد وکالت است و رابطه بانک با سپرده‌گذار، رابطه وکیل و موکل است.

ماده ۴ می‌گوید: بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند بازپرداخت اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه نمایند. ماده ۵ هم نحوه تقسیم منافع حاصل از اعطای تسهیلات متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک را توضیح داده است. ماده ۶ به سه نوع روش تشویقی که بانک‌ها می‌توانند برای جذب و تجهیز سپرده‌ها از آنها استفاده کنند، پرداخته که یکی از این روش‌ها براساس "بند الف" همین ماده عبارتست از اعطای جوایز غیرثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه. البته در قانون به نوع جوایز اشاره‌ای نشده، ولی روشن است که منظور از سپرده‌های قرض‌الحسنه، سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز است یا حداقل تاکنون بدینگونه تفسیر و عمل شده است.

در ادامه و در فصل سوم قانون، از ماده ۷ تا ماده ۱۳ به

اعطای انواع تسهیلات بانکی مانند مشارکت، مضاربه، فروش اقساطی و... پرداخته شده و در ابتدای هریک از این مواد هم از عبارت "بانک‌ها می‌توانند" استفاده شده است. اما به ماده ۱۴ که می‌رسیم، این اختیار به تکلیف تبدیل می‌شود. براساس ماده اخیر، «بانک‌ها موظفند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی، بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند. در این ماده، علاوه بر قید تکلیف در پرداخت قرض‌الحسنه، دو مطلب دیگر نهفته است: اول اینکه، این قید ناظر بر منابع بانک است و نه منابع سپرده‌گذار؛ و دوم اینکه، ناظر بر بخشی از منابع است، بدون این که تعیین شود که چه بخش یا چه مقدار و چند درصد از این منابع. به استناد این ماده، بانک‌ها ملزم هستند که قسمتی از منابع مالکانه خود را که شامل سرمایه و سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌گردد، براساس آیین‌نامه‌ای که توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب دولت می‌رسد، صرف پرداخت قرض‌الحسنه نمایند.

در آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون‌ربا که موضوع آن تجهیز منابع پولی است، مواد ۱ تا ۳ به توضیح انواع سپرده‌ها، تعهد و تضمین بانک‌ها در استرداد اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه و عندالمطالبه‌بودن این سپرده‌ها و روش‌های تشویقی و امتیازات برای تجهیز سپرده‌های قرض‌الحسنه اختصاص یافته است. در اینجا لازم است اشاره کنم که امتیازاتی که در ماده ۶ قانون به عنوان روش‌های تشویقی به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها به صورت عام تجویز شده بود، در ماده ۳ آیین‌نامه فصل دوم قانون محدود و مقید به سپرده‌های قرض‌الحسنه شده است.

عین ماده ۴ آیین‌نامه چنین است: «سپرده‌های قرض‌الحسنه، جزو منابع بانک محسوب می‌شوند.» بنابراین، این ماده به وضوح به مالکیت بانک بر سپرده‌های قرض‌الحسنه ـ چه جاری و چه پس‌انداز ـ دلالت دارد. ماده ۹ سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را منابع سپرده‌گذار شناخته و نقش بانک‌ها به‌عنوان وکیل در به‌کارگرفتن این سپرده‌ها را تکرار کرده است. تبصره ذیل این ماده هم قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار برای مصرف در یک طرح خاص را مجاز شمرده است، اما اینجانب به یاد ندارم که تاکنون بانک‌ها از این ظرفیت موجود در آیین‌نامه استفاده کرده باشند. اخیراً برخی از بانک‌ها به جذب سپرده در قالب اوراق گواهی سپرده سرمایه‌گذاری عام پرداخته‌اند که آنهم همانگونه که از نامش پیداست، مختص به یک پروژه خاص نیست.

حالا خوب است که ماده ۱۱ این آیین‌نامه را هم مرور کنیم که در آن قید شده است که بانک‌ها در تامین منابع برای اعطای تسهیلات باید اولویت را به منابع سپرده‌گذار بدهند. منظور از تسهیلات نیز اعطای اعتبار در قالب مضاربه، مشارکت، اجاره به شرط تملیک و... بوده و شامل قرض‌الحسنه نمی‌شود. به این ترتیب، بانک تا زمانی که از تمام منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در اعطای تسهیلات استفاده نکرده، اجازه استفاده از منابع خود را ندارد.

آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون‌ربا هم به بحث درباره تخصیص منابع پرداخته است. در ماده ۱۶ این آیین‌نامه آمده است: بانک‌ها به‌منظور تحقق اهداف مقرر در بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی و همچنین رفع نیازهای اساسی اشخاص، با تخصیص بخشی از منابع خود طبق ضوابطی که به تصویب شورای پول و اعتبار و تایید نخست‌وزیر (که قاعدتاً پس از حذف پست نخست‌وزیر به عبارت تایید رییس‌جمهور تغییر کرده است) خواهد رسید، در موارد ذیل مبادرت به پرداخت قرض‌الحسنه می‌نمایند:

الف) تامین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار جهت کسانی که فاقد اینگونه امکانات می‌باشند، در شکل تعاونی.

ب) کمک به امر افزایش تولید با تاکید بر تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی.

ج) رفع احتیاجات ضروری.

ملاحظه می‌کنید که برای مصارف قرض‌الحسنه، سه بخش تعریف و تعیین شده است، البته این در آیین‌نامه است و در قانون عملیات بانکی بدون‌ربا که شکل عام و کلی‌تری دارد، چنین چیزی وجود ندارد و تنها در آنجا تکلیف بانک‌ها به پرداخت قرض‌الحسنه آمده است. طبعاً اضافه و کم‌کردن و اصلاح و تعدیل آیین‌نامه بسیار آسانتر از تغییر و اصلاح قانون است.

در اینجا لازم می‌دانم به مطلبی اشاره و بر آن تاکید کنم که ماهیت قرض‌الحسنه است. گاه دیده می‌شود که به "قرض‌الحسنه" پرداختی به اشتباه عنوان "تسهیلات" می‌دهند، درحالی که از نام آن پیدا است که "قرض‌الحسنه" قرض یا وام است و نه "تسهیلات". زمانی که عملیات اعتباری بانک با استفاده از ابزارهایی که برپایه شراکت، مثل مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی یا برپایه بیع مثل فروش اقساطی یا برپایه بیع و اجاره مثل اجاره به شرط تملیک و نظایر آن انجام می‌گیرد، عنوان تسهیلات به آن اطلاق می‌گردد، اما قرض‌الحسنه ابزاری اعتباری برمبنای عقد قرض است، یعنی دقیقاً وام است و نه تسهیلات.

؟ / به نظر شما، میزان مجاز پرداخت قرض‌الحسنه از منابع سیستم بانکی چقدر است؟

□ برای پاسخ، توجه شما را به گفته‌های قبلی و موادی از قانون عملیات بانکی بدون‌ربا و آیین‌نامه‌های آن که موردبحث قرار

حتی اگر وجهه اخلاقی بانکداری اسلامی را هم کنار بگذاریم، باز هم شاید این نوع تبلیغات برای بانک به عنوان یک موسسه مالی، زیبا نباشد، اما درهرحال، اگر از چارچوب ضوابط تخطی نشده باشد، نمی‌توان ایرادی را متوجه بانک‌ها دانست.

گرفت، جلب می‌کنم و اینگونه نتیجه می‌گیرم که چنانچه سیستم بانکی براساس ضوابط شورای پول و اعتبار اقدام به پرداخت قرض‌الحسنه کرده باشد ـ حال این پرداخت‌ها ۱۰ درصد منابع قرض‌الحسنه بوده یا ۹۵ درصد ـ در هر صورت، کار سیستم بانکی درست و قانونی بوده است. بنابراین، اگر ایراد و گلایه‌ای هست که چرا بانک‌ها از ۱۰۰ واحد منابع قرض‌الحسنه مثلاً فقط ۵۰ واحد آن را برای پرداخت قرض‌الحسنه اختصاص داده‌اند، این ایراد متوجه بانک‌ها نیست. اینکه آیا بانک‌ها ضوابط و مقررات را در این حوزه رعایت کرده‌اند یا خیر؟ موضوع دیگری است که داوری در مورد آن برعهده مقامات نظارتی و بازرسی است. اگر اشکالات و اشتباهات کوچک را که درهرحال در هنگام اجرا ممکن است پیش بیایند، نادیده بگیریم، با توجه به اشراف و کنترلی که بانک مرکزی بر فعالیت بانک‌ها دارد ـ چه از طریق نظارت و بازرسی در محل یا اعزام بازرسان خود به بانک‌ها و چه از طریق بررسی انواع آمار و اطلاعات مالی و غیرمالی که ماهانه از بانک‌ها دریافت می‌کند ـ چنانچه مواردی مانند ایرادات و اشکالات عمده و یا تخلف و تخطی از مقررات کشف می‌شد، قاعدتاً پنهان نمی‌ماند. علاوه بر بانک مرکزی، سازمان حسابرسی هم به عنوان حسابرس رسمی و بازرس قانونی به فعالیت‌های بانک‌های دولتی در هر دوره مالی رسیدگی می‌کند. سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات هم بازرسی‌های ادواری از بانک‌ها انجام می‌دهند. رویهمرفته، اینجانب سابقه‌ای از بروز تخلف و عدم‌رعایت قانون و مقررات در مورد قرض‌الحسنه را به‌یاد ندارم.

اما آنچه را که درعمل اتفاق افتاده است، می‌توان با اتکا به آمار و اطلاعات بانک مرکزی نشان داد. مستندات اینجانب با عنوان ارقام عمده پولی و اعتباری و همچنین با عنوان تسهیلات اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی است که در آنها مانده انواع سپرده‌های بانک‌های تجاری، تخصصی و بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در پایان سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ و پایان آذرماه ۱۳۸۶ درج شده است. براساس این مستندات، میانگین سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نسبت به کل مانده سپرده‌های بخش غیردولتی، طی دوره ۱۳۸۱ تا پایان آذر ۱۳۸۶ برابر ۱۰/۳ درصد بوده است. اگر به این اطلاعات مراجعه کنید، ملاحظه می‌کنید که سرفصل سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز شامل دو جزء است: جزء اول، صندوق پس‌انداز مسکن و جزء دوم، با عنوان سایر نامگذاری شده است. می‌دانیم که حساب صندوق پس‌انداز مسکن حسابی است مختص بانک مسکن که شرایط خاص خود را دارد، مشمول قرعه‌کشی و جایزه هم نشده و ارتباطی به قرض‌الحسنه پس‌انداز ندارد. بدین ترتیب، اگر بخواهیم حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را موردتوجه قرار دهیم، می‌بایست ارقام مربوط به عنوان "سایر" را درنظر بگیریم. درحقیقت، هنگام بهره‌گیری از این آمارها برای اظهارنظر و مقایسه حتماً می‌باید به این نحوه طبقه‌بندی حساب‌های بانک مرکزی توجه کرد. حال اگر رقم خالص مربوط به سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را موردنظر قرار دهیم، میانگین سهم این سپرده در این دوره زمانی از ۷/۵ درصد تجاوز نخواهد نمود. با مقایسه مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه با مانده قرض‌الحسنه پرداختی در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و نه‌ماهه ۱۳۸۶ که ارقام آن دردسترس می‌باشد، می‌توان به عملکرد سیستم بانکی طی این دوره نیز پی برد. در سال ۱۳۸۴ مانده سپرده‌ها ۶۶/۳۱هزار میلیارد ریال و مانده قرض‌الحسنه پرداختی ۳۷هزار میلیارد ریال بوده. در سال ۱۳۸۵ این ارقام به ترتیب ۹۰هزار میلیارد ریال و ۴۰/۸ هزار میلیارد ریال شده و در نه‌ماهه ۱۳۸۶ هم به ترتیب ۱۰۴هزار میلیارد ریال و ۴۷/۵هزار میلیارد ریال بوده است. نسبت مانده قرض‌الحسنه اعطایی به مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، برابر ۵۵/۸ درصد در پایان ۱۳۸۴، برابر ۴۵/۳ درصد در پایان ۱۳۸۵ و برابر ۴۵/۶ درصد در پایان آذر ۱۳۸۶ بوده است. اگر خالص منابع قرض‌الحسنه، یعنی مانده سپرده‌های پس از کسر ۱۷ درصد سپرده قانونی را ملاک مقایسه قرار دهیم، این نسبت‌ها به ترتیب به ۶۷/۳ درصد، ۵۴/۵ درصد و ۵۴/۹ درصد افزایش خواهد یافت.

¶ / ضمن تشکر به خاطر ارایه و تحلیل آمار عملکرد بانک‌ها، لطفاً بفرمایید که قانون در مورد جوایز حساب‌های قرض‌الحسنه چه می‌گوید؟

□ در وضعیت فعلی، براساس ضوابط ابلاغی بانک مرکزی، بانک‌ها می‌توانند معادل دو درصد مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را صرف جایزه نمایند، البته هزینه‌های تبلیغات هم از همین بودجه دو درصد تامین و پرداخت می‌شود. طبعاً وقتی که دستورالعملی صادر می‌شود و آن بخش از سپرده‌های قرض‌الحسنه را بانک‌ها مکلف به صرف آن در پرداخت قرض‌الحسنه هستند، معین می‌کند، بانک باید این اجازه را داشته باشد که با بقیه منابع قرض‌الحسنه به همراه سایر منابع مالکانه بانک و در چارچوب ضوابط و مقررات، آنگونه که خود صلاح می‌داند، رفتار کند. بنابراین، اگر سیستم بانکی طبق ضوابط بخشی از منابع قرض‌الحسنه را در پرداخت قرض‌الحسنه صرف کرده و بقیه آن را به مصرف اعطای تسهیلات در قالب ابزارهای متعارف یا سرمایه‌گذاری در بازار بورس اوراق بهادار رسانده و یا با آن نیازهای روزمره نقدینگی خود را رفع کرده است، نمی‌توان بر بانک‌ها خرده گرفت. چنانچه تمام این فعالیت‌ها در محدوده ضوابط و مقررات انجام شده باشند، چرا باید بانک‌ها مورد مواخذه قرار گیرند؟ اگر به‌جز این

در مصوبه جدید هیات‌دولت، برای عملیات قرض‌الحسنه بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی، الگویی مشابه بانک‌های قرض‌الحسنه درنظر گرفته شده است.

بود، باید مورد سوال قرار می‌گرفتند که چرا منابع بانک را معطل گذاشته‌اند؟

در مورد جوایز هم همینطور است. البته نمی‌خواهم قضاوت کنم که این نوع جوایز خوب هستند یابد، یا این نحوه تبلیغات درست است یا نادرست. به‌هرحال، اینگونه تبلیغ‌کردن هم نوعی سلیقه است، اگرچه من هم به عنوان عضوی از این جامعه گاهی برخی از جوایز یا تبلیغات با این حجم و گستردگی را زیبنده سیستم بانکی نمی‌دانم. حتی اگر وجهه اخلاقی بانکداری اسلامی را هم کنار بگذاریم، باز هم شاید این نوع تبلیغات برای بانک به عنوان یک موسسه مالی زیبا نباشد. اما درهرحال، اگر از چارچوب ضوابط تخطی نشده باشد، نمی‌توان ایرادی را متوجه بانک‌ها دانست. شاید کسانی که نگران این مسایل هستند، باید پیش از اینها به نوعی به‌ارایه الگو و فرهنگ‌سازی می‌پرداختند و حد و مرزهایی را در نوع جوایز و نحوه تبلیغات تعیین می‌کردند، به‌نوعی که دریچه ابتکار و نوآوری هم به روی بانک‌ها بسته نشود.

از طرف دیگر، به نظرم می‌آید که جوایز و تبلیغات حساب‌های قرض‌الحسنه، متاثر از دگرگونی‌های فرهنگی است که به‌وجود آمده است. قانون اجازه داده است که برای ایجاد انگیزه در انجام یک کار نیک، پاداشی هم داده شود. آنگاه این انگیزه و جنبه‌های تشویقی، خود را در قالب اتومبیل آخرین مدل، فلان مقدار اسکناس یا طلا نشان می‌دهند.

متاسفانه ذهنیت نادرستی هم در جامعه ایجاد شده که این جوایز به گروه‌های خاص تعلق می‌گیرد و سپرده‌گذاران عادی بهره‌ای از آن ندارند. اگرچه پرداختن به امور فرهنگی وظیفه و هدف یک بنگاه اقتصادی و موسسه مالی نیست، اما چاره‌ای نیست و باید برای متعادل‌کردن جوایز و تبلیغات اقدامی صورت گیرد تا تشویق سپرده‌گذاران به کار نیک، جنبه مادی صرف پیدا نکند.

؟ / به نظر شما، بانک مرکزی در زمینه تعیین کیفیت و نوع تبلیغات می‌تواند برنامه‌ریز باشد؟

□ به‌نظر می‌رسد که بانک مرکزی فقط باید ضوابط و چارچوب‌ها را تعیین کند و هر بانک به تناسب شرایط خود در مورد تبلیغات ـ البته در محدوده ضوابط و مقررات ـ اقدام نماید.

؟ / اگر موافق باشید، بحث را در مورد مصوبه اخیر هیات دولت پیرامون میزان پرداخت قرض‌الحسنه دنبال کنیم. بفرمایید که محتوای این مصوبه چیست؟ و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

□ مصوبه جدید هیات دولت در مورد اختصاص حداقل ۹۵ درصد منابع سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز ـ پس از کسر سپرده قانونی ـ به پرداخت قرض‌الحسنه، شامل همه بانک‌های دولتی و غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی می‌شود. هدف این مصوبه آنگونه که بیان شده، عبارت است از ساماندهی منابع قرض‌الحسنه موسسات اعتباری و همچنین ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه در بین مردم و عملیاتی‌کردن قانون عملیات بانکی بدون‌ربا. هیات وزیران تصویب کرده است که تمامی موسسات اعتباری، مکلف‌اند سازوکار جذب سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه و تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه را (همانگونه که توضیح دادم، به اعتقاد من، اطلاق "تسهیلات" به "قرض‌الحسنه" درست نیست) از سایر سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی مجزا کنند و حداقل ۹۵ درصد منابع سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه را پس از کسر سپرده قانونی، به پرداخت قرض‌الحسنه اختصاص دهند. درضمن، توضیح داده شده است که منظور از موسسات اعتباری در این مصوبه، بانک‌های دولتی و غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی می‌باشند.

؟ / در مورد بانک‌های قرض‌الحسنه چه حکمی صادر شده است؟

□ گفته شده است که بانک‌های قرض‌الحسنه براساس ماده ۲۷ دستورالعمل ناظر بر تاسیس، فعالیت و نظارت بانک‌های قرض‌الحسنه و تبصره آن عمل می‌کنند. حالا برای این که موضوع روشن باشد، عین ماده ۲۷ و تبصره ذیل آن را برای شما می‌خوانم: «بانک صرفاً در قالب عقد قرض‌الحسنه به انجام عملیات بانکی مبادرت می‌نماید و منابع بانک تنها به اعطای وام قرض‌الحسنه تخصیص داده می‌شود. این تسهیلات برای رفع نیازهای ضروری مانند ایجاد اشتغال، هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک‌هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن روستایی اعطا خواهد شد.»

طبق تبصره یک هم «بانک می‌تواند پس از کسر سپرده قانونی، حداکثر معادل پنج درصد (۵٪) از سپرده‌های پس‌انداز و بیست درصد از سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری را به منظور سپرده احتیاطی نزد خود نگهداری نموده و مابقی را به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص دهد.»

ملاحظه می‌کنید که برای عملیات قرض‌الحسنه بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی، الگویی مشابه بانک‌های قرض‌الحسنه درنظر گرفته شده است. در مورد قرعه‌کشی و جوایز هم هدف مصوبه به‌گونه‌ای نظام‌مندکردن یا ایجاد محدودیت به منظور حذف رقابت‌های نامطلوب و جلوگیری از جابجایی سپرده‌های قرض‌الحسنه در بانک‌هاست. در این مورد مقرر شده است که مشوق‌ها (جوایز) حداکثر دو بار در سال و همزمان در تمامی بانک‌ها و حداکثر به میزان دو درصد مانده حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه مجاز خواهند بود. درضمن، دستورالعمل ساماندهی میزان مشوق‌ها از نظر نوع و میزان و نحوه قرعه‌کشی و تبلیغات و زمان‌بندی قرعه‌کشی هم توسط

مصوبه جدید، بخشی از منابع ارزان و کم‌هزینه و سودده را از دسترس بانک‌ها خارج می‌کند و موجب افت بهای سهام بانک‌هایی خواهد شد که در معرض‌واگذاری به بخش خصوصی هستند.

بانک مرکزی با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی تدوین می‌شود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که باید منتظر تهیه و ابلاغ این دستورالعمل باشیم.

/ اجرای مقررات جدید چه پیامدهایی خواهد داشت؟

□ همانگونه که توضیح داده شد، در حال حاضر، بانک‌ها بخشی از منابع قرض‌الحسنه را صرف اموری به‌جز پرداخت قرض‌الحسنه می‌کنند و طبق قانون هم مجاز به این کار هستند. درواقع، قسمتی از این منابع کم‌هزینه در موقعیت‌های سرمایه‌گذاری که سبب افزایش درآمد بانک‌ها می‌شده، مصرف می‌شده است. شاید سود حاصل از به‌کارگیری این منابع می‌توانسته به بانک‌ها کمک کند تا سودی بالاتر از نرخ سود علی‌الحساب را در قالب پرداخت سود قطعی به سپرده‌گذاران خود پرداخت نمایند. اگرچه سود حاصل از این منابع، منابع مالکانه بانک‌ها و سهم سود بانک است ـ و نه سهم سود سپرده‌گذار ـ اما بانک‌ها می‌توانسته‌اند به‌طور غیرمستقیم سپرده‌گذاران را نیز در این سود سهیم کنند، به این ترتیب که با کاهش حق‌الوکاله خود، سهم سود سپرده‌گذاران را افزایش دهند و مبلغ کاهش‌یافته از حق‌الوکاله خود را از محل سود حاصل از این منابع ارزان‌قیمت جبران نمایند. به‌جز اینها، این منابع می‌توانست تمام یا بخشی از تفاوت نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری را پوشش دهد، اما با این مصوبه، بانک‌ها از این منابع و درآمدهای ناشی از آن محروم می‌شوند.

درواقع، ویژگی ارزانی و کم‌هزینه‌بودن این منابع، نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، عامل تشویق‌کننده‌ای برای بانک‌ها در ایجاد تنوع در کمیت و کیفیت جوایز بود و بانک‌ها را به رقابت با یکدیگر وامی‌داشت، اما زمانی که این انگیزه وجود نداشته باشد، طبعاً رقابت نیز جایگاهی نخواهد داشت.

/ آیا این وضع ایجاد اشکال برای بانک‌ها نخواهد کرد؟

□ مسلماً چرا، وقتی که بانک‌ها هزینه منابع یا هزینه پول را می‌خواهند محاسبه کنند، ابتدا هزینه هریک از منابع مثل سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، پس‌انداز و انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را با توجه به سهم هریک از آنها در کل منابع، موزون می‌کنند و آنگاه این اعداد را پایه محاسبه هزینه پول قرار می‌دهند. فرض کنید به‌صورت خیلی ساده ۵۰ درصد منابع یک بانک هزینه صفر و ۵۰ درصد دیگر منابع هزینه ۲۰ درصدی داشته باشد. پس میانگین هزینه جذب منابع برای این بانک ۱۰ درصد خواهد بود. حال هرچه که سهم منابع با هزینه صفر در کل منابع کمتر شود، به شرط ثابت‌بودن سایر شرایط، هزینه جذب منابع افزایش می‌یابد، مثلاً با تغییر ترکیب منابع به ۱۰ درصد منابع با هزینه صفر و ۹۰ درصد با هزینه ۲۰ درصد، عملاً هزینه جذب منابع این بانک به ۱۸ درصد افزایش خواهد یافت. با اجرای مصوبه اخیر، این اتفاق ـ البته با اعداد واقعی و نه فرضی ـ برای بانک‌ها خواهد افتاد و بر هزینه جذب منابع، درآمد بانک، توانایی پرکردن شکاف بین سود پرداختی به سپرده‌گذاران و سود دریافتی از تسهیلات‌گیرندگان تاثیر خواهد گذاشت. البته این تاثیر در بانک‌های دولتی شدیدتر از بانک‌های غیردولتی خواهد بود.

موضوع دیگری که نباید از نظر دور داشت، اثر اجرای این مصوبه در چند بانک دولتی است که قرار است به زودی سهامشان در بورس عرضه شود. از آنجا که یکی از فاکتورهای موثر بر ارزش سهم هر بنگاه اقتصادی، میزان سودآوری و توانایی کسب درآمد است، لذا مصوبه اخیر، موجب افت بهای سهام این بانک‌ها خواهد شد.

/ نظر کارشناسی شما در این رابطه چیست؟

□ به‌نظر من، اگر قصد این باشد که منابع قرض‌الحسنه از بانک‌ها به بانک قرض‌الحسنه مهرایران سوق پیدا کند، مصوبه اخیر یک مقداری عجولانه و همراه با شوک به سیستم بانکی است. می‌شد این تصمیمات را با ملایمت بیشتر و به‌صورت تدریجی عملی کرد و بانک‌ها فرصت کافی پیدا می‌کردند تا خود را با وضعیت جدید و تغییر در استفاده از منابع وفق دهند. در هنگام تغییر مدیران عامل بانک‌ها هم به همین ترتیب عمل شد. تغییر یکباره و همزمان چند مدیر بانک نیز باعث واردآمدن شوک به سیستم بانکی شد. البته این به‌معنی مخالفت با تغییر نیست؛ درهرحال، هر مدیری یک سری سیاست‌ها و برنامه‌ها را در ذهن دارد و چون در نظام سلسله‌مراتبی ما هر فرد در مقابل مقام مافوق خود و درنهایت در مقابل جامعه مسوول و پاسخگوست، لذا لازم است که در مقابل این مسوولیت اختیار متناسب با آن را هم داشته باشد. ازجمله اختیار انتخاب ابزارهای مناسب برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های خود. طبعاً اگر تعدادی از همکاران این مدیر هم با آن سیاست‌ها ناسازگارند یا توانایی اجرایی‌کردن آنها را ندارند، این حق مدیر است که آنها را کنار بگذارد و افراد همفکر، توانمند و موردقبول خود را به‌کارگمارد، اما نکته موردبحث، لزوم توجه به حساس‌بودن بازارهای مالی در مقابل دگرگونی‌های ناگهانی است. به‌نظرم می‌رسد که اگر هدف ساماندهی مقوله قرض‌الحسنه است، بهتر است که این کار با آرامش و به‌تدریج صورت گیرد.

/ با توجه به انبوه حرف و حدیث‌هایی که درباره بانک‌ها، صندوق‌ها و حساب‌های قرض‌الحسنه شنیده‌ایم، تصور می‌فرمایید که چه اتفاقی قرار است رخ دهد؟

□ من هم به این موضوع فکر کرده‌ام که آیا قرار است بانک قرض‌الحسنه ادامه فعالیت بدهد و بانک‌های دیگر هم

شواهد و قراین اخیر حاکی از آن هستند که بانک قرض‌الحسنه مهرایران با قوت و قدرت بیشتری به‌کار خود ادامه خواهد داد.

فعالیت‌های قرض‌الحسنه فعلی خود را داشته باشند؟ آیا بانک‌ها مشوق و انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت قرض‌الحسنه دارند؟ البته یک نکته را می‌توان فکر کرد و آنهم این است که بانک‌های ما دولتی هستند و تابع دستور. چنانچه دستور داشته باشند که به فعالیت جذب سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز و پرداخت قرض‌الحسنه بپردازند، از این دستور تبعیت می‌کنند و هیچ مشکلی هم درظاهر پیش نخواهد آمد، مثل دستور برای پرداخت تسهیلات تکلیفی و تسهیلات بنگاه‌های زودبازده اشتغال‌زا.

درک من از شرایط موجود برپایه شنیده‌ها و اخبار و اطلاعاتی که در جراید خوانده‌ام، آن است که بانک قرض‌الحسنه مهرایران با قوت و قدرت بیشتری به‌کار خود ادامه خواهد داد. ازجمله شواهدی که این مدعا را پشتیبانی می‌کند، دو مصاحبه با مدیرعامل بانک مذکور است که هر دو به فاصله چند روز در اواخر فروردین ماه سال جاری انجام شده‌اند. ایشان در باب مصوبه جدید هیات‌وزیران گفته‌اند که این مصوبه هیچ تضادی با فعالیت بانک قرض‌الحسنه مهرایران ندارد. و در مصاحبه دوم خودشان هم از پرداخت وام به بیمارانی که توان پرداخت هزینه‌های بیمارستانی را ندارند، خبر داده‌اند و در کنار اعلام برنامه بانک برای توسعه و گسترش شعب و ارتقای کیفی فعالیت‌ها، گفته‌اند که بانک درصدد اخذ مجوز برای افتتاح حساب جاری می‌باشد. تکلیف صندوق مهر امام‌رضا به مشارکت در تامین سرمایه بانک قرض‌الحسنه مهرایران به میزان هفت‌هزار میلیارد ریال هم خبر دیگری است که بر نقش پررنگی که برای بانک مذکور پیش‌بینی شده، مهر تایید می‌زند.

موضوع دیگر تلاش‌هایی است که از جانب بخش خصوصی برای تشکیل اولین بانک قرض‌الحسنه غیردولتی در جریان است و همراهی دولت برای به‌ثمررسیدن این تلاش‌ها است. درحالی که قائم‌مقام سازمان اقتصاد اسلامی از طرح مجدد پیگیری درخواست سازمان مذکور برای دریافت مجوز از بانک مرکزی به منظور تاسیس اولین بانک قرض‌الحسنه خصوصی خبر می‌دهد، دستورالعمل جدیدی با عنوان دستورالعمل تاسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آنها در ۴۲ ماده به تصویب هیات‌وزیران رسیده و جانشین دستورالعمل قبلی که در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۷ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده بود، می‌شود. تا آنجا که به بحث ما مربوط می‌شود، دو تغییر در این دستورالعمل قابل‌ذکر است: اول اینکه، حداقل سرمایه اولیه برای تاسیس بانک که قبلاً یکهزار میلیارد ریال بود، به پانصد میلیارد ریال کاهش یافته و حداقل مبلغی که قبل از صدور مجوز تاسیس می‌بایست نزد بانک مرکزی سپرده شود، از ۵۰ درصد، به ۲۰ درصد کاهش پیدا کرده است. هر دوی این تغییرات، نشانه آسان‌کردن شرایط تاسیس بانک قرض‌الحسنه است. به باور من، درنهایت، فعالیت در زمینه قرض‌الحسنه از بانک‌های تجاری و تخصصی جدا خواهد شد. البته ممکن است که در حال حاضر، چنین هدفی تعیین نشده باشد، اما آنچه به ذهن من می‌رسد، آن است که بالاخره یک چنین اتفاقی رخ خواهد داد.

؟ / دلایل شما برای این پیش‌بینی چیست؟

□ اولاً، به این دلیل که اگر بانک‌های قرض‌الحسنه به‌صورت تخصصی درحال فعالیت باشند، دخالت بانک‌های تخصصی و تجاری در این امر بی‌معنی است؛ دوم اینکه، فعالیت قرض‌الحسنه اصولاً با تعریفی که از بانک می‌شود، چندان سازگاری ندارد. پس با تمرکز این فعالیت در یک یا چند موسسه مالی که عنوان بانک به آنها می‌دهیم، بانک‌های تخصصی و تجاری هم به کارهای اصلی خود می‌پردازند و دیگر لزومی ندارد که درگیر این ماجرا شوند.

؟ / جناب بزرگمنش، به‌خاطر لطفی که فرمودید، از شما سپاسگزاریم. ■

به نظر می‌رسد که سرانجام فعالیت در زمینه قرض‌الحسنه از بانک‌های تجاری و تخصصی جدا خواهد شد.

خواننده ارجمند

برای پیام‌های تبلیغاتی خود از امکانات ما بهره بگیرید.

نشانی: تهران / خیابان حجاب /کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸-۱۴۱۵۵ تلفن و نمابر:۸۸۹۵۱۳۲۹